

wikiAzmoon
wikiazmoon.ir

<p>گزینه‌ی «۴»: «تَلَمْ» (فعل معلوم): ظلم کنی / «لَا تَلَمْ» (فعل مجهول): نه مورد ظلم</p> <p>واقع شوی</p> <p>تشريح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «کار زشت برای انجام دهنده‌اش عواقب بدی در پی خواهد داشت!»</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «پرداخت شود» صحیح است، زیرا «یُدَافِع» فعل مجهول است.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: «... که ممکن است در گوشده‌های اتقمان یافت شود!»</p> <p>گزینه‌ی «۳»: مفهوم آیه‌ی شریفه: «مَؤْمَنٌ مُورَدٌ امتحانٍ وَ آزماشٌ قرارٌ خواهند گرفت و ایمان به کردار است نه گفتار و زبان»، که گزینه‌ی «۳» غیر مناسب و دارای چنین مفهومی نیست.</p> <p>گزینه‌ی «۱»: در این گزینه مفهوم «امتحان» وجود دارد.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «در دنیا خودتان را محاسبه کنید پیش از این که مورد محاسبه واقع شوید.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: «ایمان شخص هنگام امتحان الهی شناخته می‌شود.»</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «حقیقتاً حَقًا / کودکان: الأَطْفَال / دوست می‌داشت» (معادل ماضی استمراری): کان یحب / پیوسته: دائمًا / با آسان بروخورد می‌کرد: يلقاهم / با لبخند و مهربانی: مبتسماً و حنوناً (حال)</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «متسمین و حنونین» به صیغه‌ی جمع نادرست است، زیرا ذوالحال مفرد است.</p> <p>گزینه‌های «۲» و «۳»: «يُحِب» به صیغه‌ی مضارع نادرست است.</p> <p>صورت صحیح تعریب: «الأَمَانِي» (الأَمَال) الطویلة تسبّب زوال العقل!</p> <p>ترجمه‌ی متن درک مطلب</p> <p>کسی که در دنیا زندگی می‌کند ناگریز است از زندگی آن‌چه را پاکیزه می‌شود و آن‌چه را تیره می‌شود، ببیند هر گرفتاری که برای قومی پیش آمد به دنبال شدت‌ش، آسایش دارد. انسان خردمند همان کسی است که خود را برای رو به رو شدن با سختی‌ها عادت دهد. باید ایمان بیاوریم به این که انسان برای خویش صاحب زیان و سودی نیست. گرچه تلاش کند که عاقبیت در نهایت حکمت باشد. بله بسیاری از مردم هستند که می‌کوشند تمام زندگی خود را خوشحالی و شادمانی مداوم گردانند، که در آن (زندگی) رفاهی باشد که روزگار آن را تیره نکند! و این چیزی است که ممکن است تا حدی تتحقق یابد، ولی ما در میان کسانی که قبل</p>	<p>-۳۰ گزینه‌ی «۴»</p> <p>-۳۱ گزینه‌ی «۳»</p> <p>-۳۲ گزینه‌ی «۴»</p> <p>-۳۳ گزینه‌ی «۱»</p>
---	---

عربی

سراسری منصرأ زبان ۹۱

تهویه و تلذیم؛ مسیوه (فایل)
ویراستار؛ فاطمه منصور(فایل)

-۲۶

گزینه‌ی «۴»: «لَمْ أَدْعَ» (از ریشه‌ی ودع): رها نکرد / «الاجتہاد»: تلاش، کوشش / «فی دروسی»: در درس‌هایم / «فلهذا»: بدین سبب / «تقدَّمَتْ»: پیشی گرفتم / «علی الآخرين»: بر دیگران / «أصْبَحَتْ»: گردیدم / «انساناً ناجحاً»: انسان موفقی، انسانی موفق

تشريح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «تَلَاشَ» و «ترک نشده است» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۲»: «درس‌ها»، «نشد» و «برتری یافتم» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۳»: «درس‌ها» نادرست است.

-۲۷

گزینه‌ی «۳»: «احذر»: برحدز باش / «ممّا»: از آن‌چه / «يَجْرِيَ»: تو را سوق می‌دهد (می کشاند) / «تبعية الآخرين»: وابستگی به دیگران / «لَا تَهَا»: زیرا (آن) / «ستَّبَ»: سبب ... خواهد شد / «الأسْر»: اسارت / «الضال»: گمراهی / «الذَّلَة»: خواری

تشريح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «وابسته می کند» نادرست است.

گزینه‌ی «۲»: «مراقب آن‌چه»، «تا برایت» و «نياورد» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۴»: «هر چیزی»، «در آینده»، «تو»، «قید» و «قرار ندهد» نادرست‌اند.

-۲۸

گزینه‌ی «۱»: «كالأنبياء»: چون پیامبران / «يَسْتَفِيدُون»: استفاده می کنند / «من كُلَّ فرصة»: از هر فرصتی / «ليشجعوا»: تا تشویق کنند / «أَن يهتمُوا»: اهتمام ورزند

تشريح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: «آمدن» و «به جای» «چون» و «تشویق شوند» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۳»: «همه‌ی فرصت‌ها» و «بیش تری» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۴»: «هستند که»، «برای تشویق» و «جلب آن‌ها» نادرست‌اند.

-۲۹

گزینه‌ی «۲»: «مَن» (موصول): کسانی که / «يَسْمَعُون»: می شنوند / «كَلامُ الْأَنْبِيَاء»: الحق»: سخن حق پیامبران را / «قليلون»: اندک هستند / «الفائزون»: رستگاران / «المُرْشَدُون»: (اسم مفعول) هدایت شدگان

تشريح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «آن‌ها که»، «از پیامبران» و «راهنمای شده‌اند» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۳»: «حقیقتاً» و «راهنمایان» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۴»: «هدايتگران» نادرست است.

<p>گزینه‌ی ۱۸ - ۳۸ صورت صحیح حرکت‌گذاری کل عبارت: «مَنْ عَاشَ فِي الدُّنْيَا فَلَآبَدَ أَنْ يَرَى مِنَ الْعِيشِ مَا يَصْنُو وَ مَا يَتَكَبَّرُ» «مَنْ»: اسم شرط / «عاش»: فعل مضارع / «بُدّ»: اسم «لا» نفی جنس / «أَنْ»: حرف ناصبه / «يرَى»: فعل مضارع تقدیراً منصوب / «مِنَ العِيشِ»: جار و مجرور / «يَصْنُو»: فعل مضارع تقدیراً مرفوع / «يَتَكَبَّرُ»: فعل مضارع مرفوع نکته‌ی مهم درسی حرکت ضمه در فعل مضارع منقوص ظاهر نمی‌شود.</p> <p>(عربی ۲ و ۳، تشکیل)</p>	<p>از ما بودند کسی را که توانسته باشد این آرزو را محقق کند، نمی‌شناسیم! انسان در اغلب موقع برگی در (براپر) هجوم باده است. هنگامی که شخصی به تمام این، ایمان بیاورد در سختی نالامید نمی‌شود و در آسایش دچار غرور نمی‌شود. کشتی زندگی زمانی بالا می‌رود و زمانی دیگر فرود می‌آید و خردمند همان کسی است که با این فرازها و نشیب‌ها چار لرزش نشود.</p> <p>گزینه‌ی ۳۴ - ۳۴ خردمند همان کسی است که خود را برای روبرو شدن سختی‌ها عادت دهد. چرا؟ زیرا شادی دوامی ندارد!</p> <p>تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی ۱»: «هر نزولی سعودی دارد!» گزینه‌ی ۲»: «هر کس صبر کند پیروز می‌شود!» گزینه‌ی ۴»: «شکیابی کلید گشایش است!</p> <p>گزینه‌ی ۳۹ - ۳۹ صورت صحیح حرکت‌گذاری کل عبارت: «أَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ ضَرَّاً وَ لَا نَفْعاً وَ إِنْ حَاوَلَ أَنْ تَكُونَ عَاقِبَتُهُ فِي مُتَّهِي الْحِكْمَةِ!» «أَنْ»: از حروف مشبهه بالفعل / «الإِنْسَانَ»: اسم «أَنْ» و منصوب / «يَمْلِكُ»: فعل مضارع منفي و مرفوع / «لِنَفْسِ»: جار و مجرور / «سَهِ»: مضافق‌الیه و محلّاً مجرور / «ضَرَّاً»: متعول‌به و منصوب / «نَفْعاً»: معطوف و منصوب به تعیت / «إِنْ»: حرف شرط / «كَاوَلَ»: مضاری / «أَنْ»: حرف ناصبه / «تَكُونَ»: فعل مضارع منصوب / «عَاقِبَةً»: اسم «تَكُونَ» و مرفوع / «سَهُ»: مضافق‌الیه و محلّاً مجرور / «مُتَّهِي»: تقدیراً مجرور / «الْحِكْمَةِ»: مضافق‌الیه و مجرور (العربی ۲ و ۳، تجزیه و ترکیب)</p> <p>گزینه‌ی ۴۰ - ۴۰ تشریح گزینه‌های دیگر گزینه‌ی ۱»: «متعدّ» نادرست است. گزینه‌ی ۳»: فاعله «مَنْ» نادرست است. گزینه‌ی ۴»: «متعدّ» نادرست است. گزینه‌ی ۲»: «متعدّ» نادرست است.</p> <p>(العربی ۲ و ۳، تجزیه و ترکیب)</p> <p>گزینه‌ی ۴۱ - ۴۱ تشریح گزینه‌های دیگر گزینه‌ی ۱»: «من باب تفعّل» نادرست است. گزینه‌ی ۳»: «مضاعف» نادرست است. گزینه‌ی ۴»: فاعله «نفس» نادرست است.</p> <p>(العربی ۲ و ۳، تجزیه و ترکیب)</p> <p>گزینه‌ی ۴۲ - ۴۲ تشریح گزینه‌های دیگر گزینه‌ی ۲»: «مفعول‌فیه او ظرف للزمان و منصوب» نادرست است. گزینه‌ی ۳»: «ظرف للزمان و منصوب» نادرست است. گزینه‌ی ۴»: «مشق و اسم زمان» نادرست است.</p> <p>(العربی ۲ و ۳، تجزیه و ترکیب)</p> <p>گزینه‌ی ۱۹ - ۳۴ خردمند همان کسی است که خود را برای روبرو شدن سختی‌ها عادت دهد. چرا؟ زیرا شادی دوامی ندارد!</p> <p>تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی ۱»: «هر نزولی سعودی دارد!» گزینه‌ی ۲»: «هر کس صبر کند پیروز می‌شود!» گزینه‌ی ۴»: «شکیابی کلید گشایش است!</p> <p>گزینه‌ی ۳۵ - ۳۵ مطابق متن، «هر گاه سختی شدت یابد آرامش از انسان دور می‌شود!» نادرست است.</p> <p>تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی ۲»: «ادامه داشتن شادی به شکل کاملی برای انسان تحقق نمی‌یابد!» گزینه‌ی ۳»: «وای بر کسی که در نعمتش به راستی حسابرسی نشود تا این که شرایط دگرگون شود!» گزینه‌ی ۴»: «نعمت و بیوای همچون آمدن روز و شب به سوی ما می‌آیند!»</p> <p>گزینه‌ی ۴۶ - ۴۶ استنباط صحیح از عبارت: «انسان در بیش تر موقع برگی در هجوم باده است» عبارت گزینه‌ی ۱» است: «انسان می‌اندیشد و خداوند تعیین می‌کند!» تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی ۲»: «زمام انسان به دست دیگران است پس هیچ چاره‌ای برایش نیست!» گزینه‌ی ۳»: «پیشرفت انسان و پس افتادنش به دست حوادث روزگار است!» گزینه‌ی ۴»: «به عقلانیت خویش اعتماد نکن! زیرا امور همیشه برعلاف نظر تو جریان دارند!»</p> <p>گزینه‌ی ۴۷ - ۴۷ این گزینه، با مفهوم متن رابطه‌ای ندارد: «هنگام سختی‌ها برادران (یاران) شناخته می‌شوند!» تشریح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی ۱»: «روز شادی کوتاه است!» گزینه‌ی ۲»: «روزگار دو روز است روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو!» گزینه‌ی ۳»: «به یک حال ماندن غیرممکن است!»</p>
--	---

<p>(عربی ۳، هال)</p> <p>در این گزینه، حال مفرد (راجیا) وجود دارد.</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «هو يعلم» حال جمله است.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «هي لا تعود مرة أخرى» حال جمله است.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: «يتكلم عن اسرار الخلقه» حال جمله است.</p> <p>(عربی ۳، تمیز)</p> <p>«ستاً» بعد از اسم تفضیل «أصغر» آمده و ابهام جمله را برطرف می‌کند، همچنین «علمًا» بعد از اسم تفضیل «أكثر» آمده و رفع ابهام نموده است، بنابراین هر دو تمیزند.</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «صادقاً» خبر «کان» و «أكثر» صفت آن و «ثوابًاً» مفعول‌به و «أثر» دوم، صفت آن است.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «قليلًاً» مفعول‌فیه است.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: «قليلًاً» و «بعدًاً» مفعول‌فیه هستند.</p> <p>(عربی ۳، استثناء)</p> <p>در این گزینه، «رب» و «فضل» مستثنای مفرغ و مرفوع با اعراب مفعول‌به هستند.</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «قدر» مستثنای مفرغ و مرفوع با اعراب نایب فاعل است.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «مرحلة» مستثنای مفرغ و مرفوع با اعراب خبر است.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: «ثوابًاً» مستثنای مفرغ و مرفوع با اعراب اسم «یکن» است.</p> <p>توجه: اعراب «ثوابًاً» به صورت «ثوب» صحیح است.</p> <p>(عربی ۳، متادا)</p> <p>«الأرض» مؤنث معنوی است و همراه «أيتها» صحیح است.</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «عبد» منادای مضاف (با حذف «یا») و تقدیرآ منصوب است.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «أية» منادای نکره‌ی مقصوده مبنی بر ضم و محلآ منصوب و «الأم» تابع منادا و مرفوع است.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: «زميلة» منادای مضاف و تقدیرآ منصوب است.</p>	<p>۴۷- گزینه‌ی «۳»</p> <p>در این گزینه، حال مفرد (راجیا) وجود دارد.</p> <p>تشرح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «المعاصي»: فاعل و تقدیرآ مرفوع است.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: «قاض» (قاضی): فاعل و تقدیرآ مرفوع است.</p> <p>«ی» در اسم منقوص نکره‌ی مرفوع حذف می‌شود و به جای آن تنوین جر می‌آید و اعرابش تقدیری است.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: «المعتدی»: فاعل و تقدیرآ مرفوع</p> <p>۴۸- گزینه‌ی «۴»</p> <p>«لم يأتِ» صحیح است، زیرا فعل مضارع معتل ناقص است و در حالت جرم «ی» از آن حذف می‌شود.</p> <p>تشرح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «يَهُبْ» فعل مضارع مثال از ریشه‌ی «وهب» با حذف «واو» است.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «لِأَلَقَ» فعل مضارع متکلم وحده و مجزوم به «لِ» از ریشه‌ی «لقی» است که اصل آن قبل از تغییر به صورت «لِأَلَقِی» باید بیانم، می‌باشد.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: «تَجَدَّنَ» فعل مضارع لغایات از ریشه‌ی «جود» است که اصل آن قبل از تغییر به صورت «تَجُوَّدَنَ» بوده است.</p> <p>۴۹- گزینه‌ی «۴»</p> <p>«لم يأتِ» صحیح است، زیرا فعل مضارع معتل ناقص است و در حالت جرم «ی» از آن حذف می‌شود.</p> <p>تشرح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «يَهُبْ» فعل مضارع مثال از ریشه‌ی «وهب» با حذف «واو» است.</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «لِأَلَقَ» فعل مضارع متکلم وحده و مجزوم به «لِ» از ریشه‌ی «لقی» است که اصل آن قبل از تغییر به صورت «لِأَلَقِی» باید بیانم، می‌باشد.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: «تَجَدَّنَ» فعل مضارع لغایات از ریشه‌ی «جود» است که اصل آن قبل از تغییر به صورت «تَجُوَّدَنَ» بوده است.</p> <p>۵۰- گزینه‌ی «۴»</p> <p>«الطباط»: مبتدا و «من» موصول خبر آن است.</p> <p>گزینه‌ی «۱»: «ما» موصول مستثنای مفرغ و محلآ مرفوع است.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: «ما» موصول مفعول‌به و محلآ منصوب است.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: «من» بعد از «معلمین»، موصول مبتدای مؤخر و محلآ مرفوع است.</p> <p>۴۶-</p>	<p>۴۴- گزینه‌ی «۱»</p> <p>«المعالی»: اسم منقوص مفعول‌به و منصوب به اعراب ظاهری می‌باشد.</p> <p>در اسم منقوص حرکت رفع و جر تقدیری است.</p> <p>تشرح گزینه‌های دیگر</p> <p>گزینه‌ی «۲»: «المعاصي»: فاعل و تقدیرآ مرفوع است.</p> <p>گزینه‌ی «۳»: «قاض» (قاضی): فاعل و تقدیرآ مرفوع است.</p> <p>«ی» در اسم منقوص نکره‌ی مرفوع حذف می‌شود و به جای آن تنوین جر می‌آید و اعرابش تقدیری است.</p> <p>گزینه‌ی «۴»: «المعتدی»: فاعل و تقدیرآ مرفوع</p>
--	---	---